

جنگ چینی یا سفینه ایلانی (پوسی)

قسمت چهارم

دخمه پادشاهان

این دخمه، عجیب و باشکوه در دل تپهای پنهان مانده، و سالهای درازی بوده است که کسی از وجود آن خبر نداشته است. تا اینکه کارگری به هنگام خاکبرداری به نشانه‌ای دست می‌یابد و چون به کنجکاو آنجا را می‌کاود به در سنگی عظیم دخمه می‌رسد. از آن هنگام حفاریات محلی آغاز می‌شود و تا سال ۱۹۵۸ می‌کشد.

دخمه را در سال ۱۵۸۴ میلادی ساخته‌اند. چینیان کنونی محاسبه کرده‌اند که نیروی شصت و پنج ملیون آدمی در مدت شش سال برای برپا ساختن این مقبره مصرف شده است. این مطلب را بر تابلویی نویسانیده و بر دیوار مقبره آویخته‌اند. (یعنی روزی سی هزار نفر). بر همان تابلو نوشته‌اند پیشینیان ملت چین هشت ملیون "لیان" نقره، سفید صرف این مقبره کرده‌اند، که هر دوازده لیان مساوی است بایک "جین" و هر "جین" به اندازه نیم کیلوست. سلسله مینگ در عهدی چنین خرجی کرده است که درآمد سالیانه سرزمین چهار ملیون لیان بود.

چینیان کنونی این دخمه، شکوهمند و بسیار دیدنی را از گرد و غبار قرون پیراسته و آراسته‌اند و درش را بر روی چینی و غیرچینی گشاده‌اند تا چینیان ببینند که گذشتگان با سرمایه ملی چه می‌کرده‌اند و غیرچینیان به دیدنیهای گذشته چین بیایند و امروز برای چینیه‌ها سرمایه ملی و مایه درآمد عمومی است.

در حالی که راهنمای دخمه برای ما از همین مطالب برمی‌گفت و قصه گذشته می‌سرود من با خود می‌اندیشیدم که آن پادشاه جاه طلب از خود راضی که چنین سربانی برای روزگاران نیستی خود برافراشت و چنین جلال و شکوهی بدان از سنگهای مرمر و به اسلوبی استوار داد قصدش آن بود که جبروت او پایا و ماندگار بماند و چنین هم شده است! مردم چین و سیاحان از اکتاف عالم بدین دخمه می‌آیند و پولی می‌دهند و از آن دیدن می‌کنند. پس چینیان ناگزیر از آن اند که به وقت و پاکیزگی به نگاهبانی آن بپردازند. تا مردم امروز چین بتوانند روزهای تفریح و تفریح خود را در آن بگذرانند.

مسافتی مانده به در دخمه مجسمه‌های سنگی بزرگ از حیوانات در دو سوی جاده‌ای که

به دخمه می‌رفته‌است نصب کرده‌بودند که هنوز پابرجاست . . . به گفته شاعر " سردخمه کردند سرخ و کیود . "



دو نمونه از مجسمه‌های
حیوانی و افسانه‌ای
که در راه دخمه هست



مؤسسه مرکزی ملیتها

به مناسبت آنکه در چین اقوام مختلف 'دیرینه فرهنگ' زندگی می‌کنند مؤسسه مرکزی ملیتها را در سال ۱۹۵۱ به وجود آورده‌اند . مرکز این مؤسسه در باغ بزرگو با صفایی است.

در دوره انقلاب فرهنگی، این مؤسسه بسته شده بود و از سال ۱۹۷۲ دوباره جان گرفت. منظور از تاسیس این مؤسسه تعلیم دادن افراد ملیتها و زبانهای متعدّدست تا بتوانند تخصص اکتسابی را در خدمت قوم خود بگذارند.

رئیس مؤسسه گفت در چین پنجاه و پنج قوم و ملیت وجود دارد. از میان آنها دانشجویان پنجاه و دو ملیت در مؤسسه تحصیل می‌کنند.

مؤسسه دارای هشت شعبه است: تاریخ، علوم سیاسی، زبانهای ملیتها، زبان چینی، هنر، ریاضی، علوم، مدیریت، فعالیتهای مؤسسه تعلیماتی است و تحقیقاتی، و در زمینه تحقیقات بیشتر به تحقیق در تاریخ و زبان و مردمشناسی اقوام می‌پردازد. تعداد دانشجویانش حدود دو هزار و دویست نفرست. وهیات علمی آن پانصد عضو دارد. گفتند که نظیر این مؤسسه در شهرهای مهم دیگر هم هست.



در چین گردش و دیدار، دانشجوی جوانی کنجکاوانه به ما نزدیک شد و چون دریافت که ما فارسی زبانیم گفت که من تاجیکم. البته با دشواری به فارسی حرف می‌زد. گفت که پدر و مادرش بهتر و روان‌تر از او صحبت می‌کنند.

سیاست احترام گزاردن به آداب اقلیتهای درین مؤسسه رعایت می‌شود. بطور مثال تالار غذاخوری اقوام مسلمان از تالار غذاخوری ملل دیگر جداست و در مواقعی که مسلمانان جشن خاصی داشته باشند، وسایل و مکان خاص در اختیار آنها می‌گذارند.

بیشتر از انقلاب فرهنگی بیست و چند زبان درین مؤسسه آموخته می‌شد و اکنون زبانهای تبتی، مغولی، کره‌ای، قزاقی، ترکی قدیم، اویغوری تدریس می‌شود. قصد دارند که قزقیزی را نیز تدریس کنند.

وقتی توضیحات مدیران مؤسسه به اینجا رسیده بود پرسیدم چه زبانهایی طبق قانون رسمی است.

مدیر مؤسسه گفت در قانون اساسی چین پنجاه و شش ملت به رسمیت شناخته شده ولی زبانهای تبتی و مغولی و کره‌ای و اویغوری و قزاقی رسمی است.

در قرائتخانه خاص روزنامه‌ها، روزنامه‌های اویغوری و قزاقی که به دو خط عربی و لاتین (البته با علائم لازم) چاپ می‌شود دیده شد. ولی جوانها آن روزنامه‌ای را می‌خوانند که به خط لاتینی است.

این مؤسسه میان جوانها فکر همجوشی و هماوایی چینی را نشر می‌کند و طبیعی است که عاملی است اساسی در چینی کردن ملل مختلف. قزاقی و اویغوری به این مؤسسه وارد می‌شود و زبانهای دیگر مانند تبتی و مغولی می‌آموزد، اما همه با روحیه فرهنگی چینی.

به سوی سیان

امروزه بیستم خرداد ۱۳۵۹ است به سمت سیان (سیان) Si - An که پای تخت استان سین چی Sin - Chi (یاشین سی) است حرکت کردیم .
 این شهر معتبر و مهم همانجاست که هیون تسانگ سفرتاریخی خود را از آنجا آغاز کرد ، سفری که به هند رفت و از آن دیار کتاب مقدس بودا را به هدیه آورد .
 بسیاری از نقاشان قدیم و مهم چین تصویر این زائر معروف را در شمایی نقش کرده اند که کوله باری از اوراق کتب مقدس بردوش می کشد .
 "سی آن" در ازمنه قدیم به "چانگ آن" معروف بوده است و نیز به "شی جینگ" .
 شهری است که بیش از یک ملیون جمعیت دارد و آثار و نفوذ مذهبی بودائی ، یهودی ، نسطوری و اسلام در آن باقی است .

جنگل کتیبه

از دیدنیهای این شهر موزه تاریخ است . در قسمتی از آن که به Bei - ling عنوان و شهرت دارد مجموعه ای عجیب و غریب از کتیبه های سنگی و فلزی جمع کرده اند . معنی " بای لینگ" به فارسی " جنگل کتیبه" است .
 در میان کتیبه های سنگی سیاه رنگ ، کتیبه ای است بزرگ که بر سر سنگ پشتی تعبیه شده ، از سال ۱۸۱ میلادی هست که ارتباطی مختصر با ایران دارد . نوشته کتیبه مربوط است به مسافرت مبلغی نسطوری به نام جین (؟) که از شامات و از راه ایران به چین آمده است .
 از عبارات این کتیبه به خط سریانی است .
 تعداد کتیبه هایی که درین معبد موزه شده گرد آورده اند حیرت آور است . از قرون مختلف است و به اشکال مختلف : سنگ قبر ، لوحه دینی ، مکالمات کنفسیوس ، سخنان حکیمان ، شعر و یادگارها . قسمتی ازین سنگ نبشته ها " دست تراش" خوشنویسان چینی است و بایدنا گفته نگذشت که قطعه نویسی به خط خوش (یا قلم مو ، بر کاغذ و پارچه و یا به شکل حجاری بر سنگ) از هنرهای رایج همه قرون بوده است . هنوز هم هست .

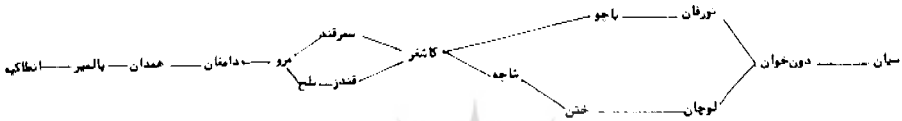
موزه شهر

درین مجموعه دو لوحه دیدیم که نقشه کاخهای مشهور ساخته سلاطین چینی همعصر پادشاهان ساسانی است . اما این نقشه ها را میان سالهای ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ کشیده اند برای نشان دادن وضع

قصور در سنوات مذکور، نقشه‌ها از حیث ترتیب رسم کشی چندان دور نیست از آنچه امروزه مرسوم است.

در غرفهٔ سلسلهٔ تانگ (۶۱۸ تا ۹۰۷) مجسمه‌ای سفالین و لعابدار از یک شتر و ساربان (در دو قطعه) گذاشته‌اند که از مقبره‌ای کشف شده است. قیافهٔ ساربان باریک و سبیل و نوع لباسش به لباسهای ساسانی می‌نماید. در همین غرفات چند مجسمهٔ گلین هست که قیافهٔ صورت و لباسش شبیه به ایرانیان است. موزه‌داری می‌گفت که این مجسمه‌ها را از آن ساربانان قافلهٔ ابریشم دانسته‌اند.

مسیر جادهٔ ابریشم در نقشه‌ای که به دیوار آویخته شده بود چنین نوشته شده بود.



در همین غرفات یک خشت مانند به اندازهٔ خطائی (۴۰×۴۰) گذارده‌اند که کتیبهٔ قبری است که بر آن عباراتی به خط پهلوی درشش سطر دیده می‌شود. این کتیبه درست از سال پانزدهم سلطنت Xiantong در سال ۸۷۴ است.

دانشمندی که این کتیبه را خواند و معرفی علمی از آن نوشت: گ. ایتو - ایران‌شناس پهلوی دان ژاپونی است. او مقالهٔ خود را در نشریهٔ انجمن تحقیقات آسیای غربی و شمالی دانشگاه کیوتو (شمارهٔ ۱۳ سال ۱۹۶۴) منتشر کرد و بر اساس آن خانم بدری قریب استاد دانشگاه تهران، ترجمهٔ متن کتیبه را به فارسی در مجلهٔ سخن سال ۱۵ (۱۳۴۴): ۱۱۷۷-۱۱۷۸ به اطلاع عقده‌مندان ایرانی رسانید.

کتیبه مورخ سال ۸۷۴ میلادی، سنگ قبر شاهزاده خانمی ایرانی به نام "ماسیش" از خاندان "سورن" است که در زمان سلسلهٔ تانگ به چین رفت و به همسری یک چینی درآمد. آقای ایتو پس از سالی در مقالهٔ خود تجدید نظر کرد و لذا خانم قریب مقالهٔ دیگری دربارهٔ کتیبه در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران جلد ۱۴ (۱۳۴۵): شمارهٔ اول صفحات ۷۰-۷۶ انتشار داده و مجدداً ترجمهٔ منقح‌تر کتیبه را با عکس آن به چاپ رسانید.

متن نگارهٔ کتیبه چنین است به ترجمهٔ خانم قریب:

— این انوشروان شاهزاده خانم ماسیش دختر انوشروان
 — سردار سوار سی زین سی از (خاندان) سورن به سال ۲۴۰ انوشروان
 — یزدگرد سال ۲۶۰ سلسله تانگ و سال پانزده همه پیروزگر .
 — خدای بزرگوار سن تن و ماه سپندار مد و روز سپندار مد (مطابق) ماه
 جن مین در ۲۶ (سالگی) درگذشت و جایگاه او با هرمزد .
 — امشاسپندان (در) گروتمان جهان برین باد درود .

مسجد سیان

مسجد بزرگ سیان یکی از مهمترین آثار تمدن مسلمانان چین است . از حیث نقشه و طرز
 ساختمان شبیه دیگر معماری های چینی است و فرق اساسی با تصور و سراهای محلل ندارد . مرکب
 است از چند ساختمان جدا جدا و باغچه باغچه ، همانند بنا معابد چینی . ساختمانهای سراسر
 از چوب است با نقشهای هندسی و دهن اذری و رنگهای زرد و آبی و سبز تند .



نمونه کارت پستالهایی که چاپ شده و در مسجد می فروشند .

درین مسجد چند کتابه سنگی هست . من عجولانه به تبعیت از ذوق گورنگاری و باوجود
 کم بودن فرصت به نقل مطالب آنها پرداختم . دانش پژوه را هم در خواندن آنها به کارگرفتم

و معذرت خواه شدم که صحبتش را با امام مسجد قطع کردم .

یکی از کتیبه‌ها متضمن اطلاعاتی در خصوص تاریخ بنای مسجد (سال ۸۵۹)، و نام دای مینگ خان پادشاهی که در عهد او مسجد را ساخته‌اند، کتیبه به خط نسخ است و به زبان فارسی و حاوی قصیده‌ای که شاعری در تاریخ بنای مسجد و مدح پادشاه عهد سروده است. این کتیبه یادگار و نموداری است از نفوذ زبان فارسی در چین و دوران دراز ماندگاری آن در آن سرزمین، و این است متن آن:

"برگردان " نگاره در
مسجد سیان قسمت اسم
"دای مینگ خان" برای
نمودن شیوه خط



یادگاری از مسجد

کتیبه عربی سر در ورودی مسجد

" به حکم نص قاطع ربانی و برهان ساطع صمدانی که انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر و حدیث نبوی و کلام مصطفوی که من یعمر بیت الله عمر الله بیهته فی الدنيا و الاخرة ، هر صاحب دولتی را که دیده بصیرت او به نور قاعتر و یا اولو الابصار منور و چشم بصارت او به کحل یهدی الله لنوره من یشاء مکحل باشد نزد اظاهر من الشمس و ابین من الامس خواهد بود که بهترین خیرات و مفیدترین میراث بنای مساجد و عمارت معابد است . چنانچه منطوق این حدیث که من بنی الله تعالی مسجدا " بنی الله له بیتا " فی الجنة هم برین شاهد است و این سعادت مقبولان بارگاه احدی و مخصوصان درگاه محمدی را روزی گردد ، چنان که در این مدت در عهد این پادشاه سکندر بخت فففور تخت ، برافرازنده اعلام شاهی ، برافروزنده انوار پادشاهی

چاکر درگاه او خسرو جم اقتدار

بنده فرمان او قیصر خاقان تبار

از هنرش گاه رزم وزگر مشروزبزم

رستم دستان خجل حاتم طی شرمسار

باقی و پابنده باد دولت دای مینک خان

مملکتش بر دوام ، سلطنتش بر قرار

این سعادت و دولت و امین توفیق و هدایت بنای چنین مسجدی قرین حال و ذخر مال کسی شد که کفیل مصالح اهل اسلام و مرجع و ملاذ نام است . گشاینده ابواب خیر و احسان ، بناننده آثار و پرومتان ، مربی السادات و العلماء ، عون الضعفاء و الغریبا ، المنظور بالنظر الملك المنان عمره الله و عقباه عمر کما عمر

بنا نهاد به تاء پید حضرت متعال

عمارتی که ندارد چو گنبد شبهه و مثال (؟)

چنانچه این قصیده از این شگسته در وصف آن واقع است :

ای عجب گر دیده باشد در بسیط روزگار

دیده گردون چنین الوان گردون اقتدار

هذه جنات عدن فادخلوها خالدین

می کند هر دم ندائی هاتفی در هر دیار

روشنائی می برد هر شام از قندیل او

شمع روشن نور عالمتاب این نیلی حصار

بر سرش خورشید گردان است و از آن دایما

تا نبیند آفتی ناگه ز چشم روزگار

با وجود شمسه^۱ سقف زرا ندودش فلک
 گشته است از آفتاب خویشتن بس شرمسار
 ای که ز رمی جوئی از حق اندرین محراب حق
 گاندرین محراب حاجت‌ها از و شد بی شمار
 ای شنیده وصف جنت شویرین در معتکف
 زان‌گاه این منزل نموداری است از دارالقرار
 قدسیان بر روی صحن او ز دیده آب زن
 حوریان جاروب‌گش با گیسوی عنبرنثار
 رب‌انزلی دعا آمد ز خیر المسلمین
 و اندرین مسجد ملایک را یکایک زافتخار
 پایه رفعت نهید بالا ترا ز گرسی خطیب
 تا برین منبر بگوید مدح شاه گامکار
 بانیش چون روز اول رب وفق گفته بود
 لا جرم توفیق ربانی مرا و را گشته یار
 فرشا تماشا فکنده صدق نیت چون گذشت
 هشتصد و پنجاه ونه از هجرت صدرگبار
 خدمت از (؟) نه یک مسجد عمارت کرده است
 ساخته معمور بیشک کعبه^۲ دل صد هزار
 کرده است کاری که فرع دولتش بر او صلها
 ثابت فی الارض خواهد داد اما از کردگار
 پاسبانش مسجد اقصی است اندر آسمان
 تازمین کعبه و بیت الحرام است پایدار
 آنچنان... (ریخته) ابراهیم کعبه مانده است
 ... (ریخته) ازین مسجد بماند یادگار
 چارگی او که دارد رتبت ارگان دین
 بر مثال چار برج کعبه بادا استسوار

فی شهر جمادی الاخر سنة سته (کذا) و خمسين وثمانائة کبارنامه در آن تاریخ که
 در حیات بودند چون شیخ الاسلام نظام الدین حیدری و مولانا محمد نانک جوئی* و مولانا شرف

* این نسبت باید از آن یکی از شهرهای چین باشد.

الدین و مولانا شمس الدین و مولانا یوسف و مولانا قاسم و مولانا صافی و امیر عین الدین و امیرنا صرو
 مولا عمر و مولا هانی و مولا عثمان و مولا حاجی و مولا درویش و مولا خواجه و مولا ابراهیم و مولا
 حسن بن حسین . . . (ریخته) و مولا رمضان بن اسماعیل و مولا اسماعیل و مولا منصور گاتب و مولا
 رجب و مولا رمضان بن فضل الله ."

تمام سطح پشت این کتابه به خط چینی است حاوی مطالبی در همین زمینه که کتابه فارسی .
 کتیبه دوم مورخ به سال ۹۲۸ هجری است به زبان عربی و حاوی اطلاعاتی در خصوص
 تعمیرش به وسیله نظام الدین در سال مذکور . متن آن چنین است :
 (بعد از چند سطر آیات قرآنی)

... قد عمر هذه المساجد في الازمنة الماضية سيد امير اجل اعز اعلم افضل اسمه الشريف
 دای مینگ خانگ نورالله مرقدہ و عمرها الامام العالی رئیس الامام هادی الاسلام مبین الشریعة
 والاحکام نظام الملّة والدین مع اجمعین من المسلمین رحمہ اللہ الماضي و ادام شرف الباقی من
 هجرة النبوة المصطفوية سنة ثمان و عشرين و تسع مائة .

بدستور الامراء العظام اتم الله بناء المعالي بدعاء المسلمين المخلصين سلامه وسعاده
 الی آخرها تمامها . . . قال الفقير الداعي حافظ بن مولانا قل محمد القمجبوني و غفرالله له
 ولو ائله .

نسبت این شخص را الفمجبویی هم می توان خواند . هرچه پرسش کردم نظر کنندگان بر
 کار ماشهری را که این کلمه باید نسبت بدانجا باشد نمی شناختند . ولی واضح است که نسبتی
 است به یکی از شهرهای چین در قرن دهم هجری .
 این هردو کتیبه برپایه ای سنگی بصورت عمودی در دالان مسجد قرار دارد و بر پشت هر
 دو مطلب ، کتیبه ، خط چینی نقر شده است .

اینکه که به چاپ این یادداشتها پرداخته ام باید یادآور شوم که در باره بعضی از
 کتیبه های فارسی و عربی موجود در چین تحقیقاتی منتشر شده است که من هنوز ندیده ام . اما
 از روی " ایندکس ایسلامیکوس " توانستم نام و مشخصات آنها را بیابم . چون ممکن است که
 این دو کتیبه را پیش از ما مستشرقان فرانسوی خوانده باشند و درباره آنها مقاله نشر کرده
 باشند ، و چون ممکن است که خوانندگان این یادداشت بخواهند از مطالعات پیشینیان اطلاع
 حاصل کنند فهرست آن مقاله ها را درینجای آورم و خود نیز منتظرم که آنها را به دست بیاورم و
 بدانها بنگرم . Arnaz - Les inscriptions arabes le Ts'ivan-tcheou .
 T'oung Pao . 12(1911) : 677-727 .

Bloch - Epigraphie musulmane chinoise . RMM . 5 (1908) :
 289-293 .

Cordier , G . - Les mosquées du Yun-nan . RMM . 38(1920) : 85-101

Pelliot , P . - Les plus anciens monuments de l'écriture
 arabe en Chine . JA . 2ème Serie , 2(1913) : 171-191

نکته های دیگر

اغلب اصطلاحات مربوط به نمازگزارى هنوز به فارسی گفته می شود. از آنهاست: پنج نماز، بامداد، پسین، دیگر، شام، خفتن، بحای اذان "بانگ" و بحای مودن "گوینده" مصطلح است. در تداول عامه بعضی از کلمات فارسی هنوز پایدار مانده است، ازین جمله: گوشت (با تلفظ gosht)، آب، کاسه (با تلفظ کازه) - دهان - دهان شومی (معادل بددهن)، دهان برکت.

دانش پژوه از امام مسجد پرسید در موقع طلبگی چه کتابهای درسی خوانده است. گفت: نحو عصام الدین، مختصر المعانی تفتازانی، عمدة الرعاية، تفسیر بیضاوی، اساس العلوم مع شرح الصینی. گفت این کتاب را از روی چاپ محرم ۱۳۵۶ قمری شانگهای خوانده است.

هنوز در موقع وقوع صیغه "ازواج عبارت" قبول کردم "را بر زبان جاری می کنند." "بوسه" در موقع بوسیدن اوراق دعائی گفته می شود.

امام مسجد در نماز جماعت روز جمعه خطبه ای می خواند (به عربی). آنچه بهنگام خطبه خوانی در دست می گیرد عصای است نظیر منتشای درویشی خودمان و همانند آن عصای کج و کوله ای که در نقاشیهای چینی به دست کنفسوس و دیگر پیران چینی دیده می شود. درین مسجد از کتب خطی دو جلد تفسیر زاهدی یعنی درواجکی دیدم که نسخه در چین نسبت بر سایر کتابخانه های جهان متعدد است.

در باغچه مسجد لوحه سنگی بلند بالایی به زبان عربی است از سال چهارم پادشاهی جاچینگ. مضمون لوحه مرثیه ای است درباره شخصی به نام مظفر الحق که در سال ۱۸۱۰ فوت شده است.

شبهستان اصلی مسجد بزرگ است و سراسرش را همانند ابنیه و معابد چینی از چوب ساخته اند و چوبها را کنده کاری و رنگ آمیزی کرده اند. کتیبه هایی هم از آیات قرآن بر چوبها دیده می شود.

لوحه های ادعیه مرسوم و نستعلیق که چینیان در معابد بودائی دارند بطور عمودی بر پشت مجسمه های لاک پشت سنگی نصب شده است. پیش ازین گفتیم که چینیان سنگ پشت را از جانوران گرامی و با برکت و مظهر طول عمر می دانند.

 معبد شین جان و هیون تسانگ

در بیست کیلومتری سیان به دیدن معبد بودائی معتبر و تاریخی رفتیم. در همین معبد است

که زائر و سیاح معروف چینی موسوم به هیون تسانگ (متوفی در ۶۴۴ میلادی) به خاک سپرده شده. بدین صورت که در شهری دیگر مرد و دفن شد ولی مریدانش استخوانهایش را در سال ۶۶۹ به این معبد آوردند.

نام هیون تسانگ را چینیان Shven Zuang تلفظ می‌کنند و به صورت مختلف در کتب و مراجع اروپائی آمده است. نقل آن بی‌فایده نخواهد بود:

- Yuan Tsang
- Yuan Chwang
- Hioven Tsang
- Hsuan Tsang
- Huan Chwang

این زائر فریفته تعلیمات بودائی میان سالهای ۶۲۹ - ۶۴۵ سفر کرد. از سیان به سوی هندوستان به راه افتاد و از راه تین شان Tien-shon و کوههای سرکش هند و کش به سوی پهباشاور رفت و در سال ۶۳۳ خود را به شهر قنوج در کنار رود گنگ رسانید. در آنجا معابد مهم بودائی را زیارت کرد و توانست زبان سانسکریت بیاموزد و با فلسفه بودائی بطور عمقی و تحصیلی آشنا شود.

در بازگشت به وطن خود راه پامیر و کاشغر را انتخاب کرد. ره آورد سفرش ششصد و پنجاه و هفت متن از کتب بودائی و یکصد و پنجاه قطعه از آثار عتیقه بودائی بود. هیون تسانگ گزارشی از این سفر نوشت و مطالبی در آن هست که وضع تمدنی و معارف ایرانی عصر ساسانی را برای ما روشن می‌کند، از موقعی که از سرزمینهای پهباشاور و خاک افغانستان و کاشغر گذشته است. بعضی هم معتقدند که گزارش سفر او را دونفر از مریدانش تحریر کرده‌اند. کتاب هیون تسانگ به فرانسه ترجمه و در سال ۱۸۵۸ چاپ شده است. از ایرانیانی که از این متن مهم در تحقیقات خود استفاده کردند شادروان ابراهیم پورداود را باید نام برد.

چندبار که در آمد و رفتها از جهات مختلف شهر عبور می‌کردیم دیوارهای بلند و ضخیم شهر و خندقهای اساسی و رودخانه‌وار شهر نظرم را جلب کرد. البته به یاد خندقها و دیوارهای شهرهای قدیم خود مان افتادم. ولی هیچ‌نسبتی بهم ندارد. چه خندقها و دیوارهای شهرهای ایران نمی‌تواند با خندقها و دیوارهای چین پهلوی بزند.

مقبره کین شی خوان

باز تلفظ اسم این پادشاه اسباب گرفتاری است. بصورتی که از دهان آقای زینگ شنیدم چین شی خوان است. در کتابچه کوچک راهنمای مقبره Qin Shi Husang آمده است.

بهر حال درجهیل کیلومتری سیان برپادامن کوه "لی" مقبره" نخستین امپراطور واقع است .
چینیان کنونی خود در جزوه "راهما آن را Imperial Tomb و از پادشاه صاحب قبر



秦俑

بعنوان First Emperor یاد کرده اند .

شورای حکومت چین در سال ۱۹۶۱ تصمیم کرد که مقبره "این پادشاه بطور مخصوص حفاظت شود . به فاصله یک کیلومتر و نیم از مقبره "پادشاه در زیر زمین نهانخانه ای پیدا شده است که قابل توصیف است .

اهمیت این پادشاه (۲۵۹ تا ۲۱۰ پیش از میلاد) که در بیست و دو سالگی به پادشاهی رسید ، در تاریخ چین از باب آن است که دولتهای مختلف و سرکش چین را با هم متحد کرد و تحت لوای واحد به حکومت پرداخت . اوست که رسم الخط و تقویم و مقیاس وزنها و سکه را در چین همسان کرد . چین یکپارچه از آن روزگار در تاریخ بشری نام یافت . این همان پادشاهی است که دیوارهای پاره پاره ممالک چین را نیز به هم اتصال داد و اثری به وجود آورد که از عجایب عالم است .



鎧甲俑



武士俑

پس از سالها حفاریات و خدمات دیگر موزه و مقبره، هفت ماه پیش از سفر ما افتتاح شده بود. دسته دسته سیاح از اطراف عالم به دیدن آن می آیند که برآستی دیدنی است و حیرت آور. بزرگی و گیرندگی آن مخصوصاً " به مناسبت مجسمه های سفالین سربازان پیاده و سوارانی است که در نهانخانه ای زیر زمینی به مساحت تقریبی سیزده هزار متر مربع (۶۰ x ۲۱۰ متر) برای ادای احترام به جسد پادشاه و برای جلب توجه دیدار کنندگان بمنظور اقرار به اهمیت پادشاه قرار دارد. البته قسمتهای زیادی از مجسمه ها افتاده و ویران شده است. سببش آتش سوزی مهمی دانسته اند که در سال ۲۰۶ پیش از میلاد به دست سلسله بعدی به نام شان یو برای ربودن جواهرات و اشیاء قیمتی آنجا روی آورد و سقف مقبره را فروریزاندند.



آنطور که نوشته اند درین نهانخانه زبر زمینی حدود شش هزار مجسمه سفالین سرباز (به اندازه طبیعی انسان) نصب بوده است. چهره و لباس و آرایش موی سربازان متفاوت است. هر دسته از قومی و تباری بوده اند، از مللی که پادشاه آنها را به ربقه اطاعت خود در آورد. اغلب مجسمه ها رنگی بوده است.

این نهانخانه زبر زمینی به تصادف آشکار می شود. موقعی که یکی از دهقانان در سال ۱۹۲۴



گوشه‌ای از گنجینه "سپاه سفالین"

به حفر چاهی می پرداخت آجرهایی از زیر زمین بیرون می آید و چون بیشتر می کاود به این مخزن "سپاه سفالین" می رسد .



اکنون بر سراسر نهانخانه ، سقف آهنی زده شده تا از باد و باران درپناه باشد . به همت تمام مشغول مرمت مجسمه ها هستند و می گویند اگر بیست سال به همین ترتیب وقت صرف شود حفاریات و مرمت آثار خاتمه خواهد یافت .

در گزارش رسمی مربوط به این اثر تاریخی نوشته اند که آن را هفتصد هزار کارگرم مدت سی و شش سال ساخته و پرداخته اند .

معبد بودائی قاز کوچک

معبد از ساختمانهایی است که به آن پاگودا گفته می شود و از بقایای آثار ساختمانی مشهور سلسله مینگ است .

اهمیت این معبد در آن بوده است که یکی از تارکان دنیا در محل این معبد ترجمه یکی از کتب مقدس بودائی پرداخت . پاگودا را در سال ۷۰۷ تا ۷۰۹ بر آن محل ساخته اند . تمام از آجرست در ۱۳ طبقه و به ارتفاع ۴۵ متر .

دو زلزله در سالهای ۱۴۸۷ و ۱۵۵۶ در آنانی و مطالعات فرنگی
برای بنای علوم انسانی
ارکان آن خللهایی وارد و دو طبقه آن را
ویران کرد .



یادی از لذت همصحبتی با دانش پیرزوه
در سفر چین که مثل همیشه بسیار از
او آموختم و آنچه می نوشتم بر او
می خواندم . نمی دانم "اجازه" نوشت
یا نه؟

"چه به از لذت همصحبتی دانایی"

دانشگاه شمال شرقی

یکی از دانشگاه‌های سابقه‌دار چین در شهر سیان است و به دانشگاه شمال شرقی عنوان گرفته. این دانشگاه تأسیس سال ۱۹۳۷ میلادی است، پس سه چهار سال هم از دانشگاه تهران جوانتر است.

این دانشگاه به شعبه علوم اجتماعی و شعبه علوم طبیعی تقسیم شده است. شعبه علوم اجتماعی چهار دانشکده تئوری سیاسی، زبان و ادبیات چینی، تاریخ، زبانهای خارجی - و شعبه علوم طبیعی هفت دانشکده دارد. تعداد معلمینش هشتصد و دانشجویانش سه هزار است. دانشگاه سیزده مؤسسه تحقیقاتی دارد. شرق میانه که برای دیدن آن به اینجا آمده‌ایم، تاریخ شمال غربی چین، مؤسسه روشون (نویسنده مشهور معاصر چین)، تاریخ سلسله تانگ، تاریخ سلسله‌های چین و خان. دیگر مؤسسه‌ها مربوط به رشته‌های علوم است. در مؤسسه شرق میانه موضوع نفت، فلسطین، مذاهب، مسائل اقتصادی از مباحث تحقیق است.

در مؤسسه تاریخ شمال غربی چین مباحث مربوط به هم مرزی با آسیای مرکزی افغانستان و مسائل ایران و تاریخ روابط با آنها مطالعه می‌شود. در همین شعبه جمعی به تحقیق به تاریخ فرهنگی و اقلیتهای ملی چین مشغولند، یعنی در باره اویغورها، قزاقها، اوزبکها، تاجیکها، قرقیزها که همه در زمره مسلمانان چین اند.

یکی از مدیران مؤسسه گفت که منابع زیادی به زبان چینی از قرن هجوم در خصوص این مردم در دست داریم و از جمله بر شمرد که قسمتی از تاریخ سلسله خان به حوادث واقع شده در ترکستان چین اختصاص دارد. این کتاب مشهور تا لیف شی شونگ است. دیگر از تاریخ عمومی ترکستان چین تا لیف سونگ چون نام برد که در اواخر قرن هجدهم تا لیف شده است. همچنین نام تاریخ ترکستان تا لیف وان شولد (تا لیف ۱۹۱۱) را ذکر کرد.

یکی دیگر از مدیران مؤسسه گفت که در سالنامه‌های چینی اطلاعات مبسوطی درباره جاده ابریشم می‌یابیم که بسیاری از نکات آن اقتصادی و اجتماعی است و مخصوصاً "آداب و رسوم اقوام بر سر راه را بر مارو شن می‌سازد. گفت کتابهای ثبت وقایع (سالنامه‌ها) توسط دبیران امپراطور بها نوشته می‌شده است و در چین به این نوع از اسناد شورو She-ru می‌گویند و در السنه دیگر آنها را سالنامه چینی عنوان کرده‌اند.

در دنبال این مطالب یکی از استادان گفت آنچه در سالهای اخیر به تحقیقات ما در خصوص راه ابریشم کمک کرده دست‌یابی به نقاشیهای دیواری است که در شهر دون خوان است. طبق اطلاعات کسب شده مربوط به همین شهر است که بر ما مسلم شده است که زبان طخاری

در مناطقی از چین تکلم می شده است و تاجایی که می دانیم تعدادی از کتب مقدس بودایی را از راه زبان طخاری به چینی نقل و ترجمه کرده بوده اند.


قطعه نویسی، مرقع سازی

بمانند اغلب مراکز دولتی که دیدیم بر دیوارهای تالارها و اطاقهای دانشگاه و موزه قطعات زیبایی از خطوط چینی آویخته بود.

قطعه نویسی از هنرهای زیبای چین است. این قطعه ها حاوی اشعار کوتاه چینی، کلمات بزرگان، ادعیه و جز اینهاست. البته بسیاری از این قطعات کار هنرمندان معاصر بوده و چون پرسیدم که سابقه قطعه نویسی از کدام قرن است گفتند خیلی قدیمی است، حتی از وقتی که خط واحد در چین آغاز شد. همانجا از تصور گذشت که علی الظاهر باید اسلوب قطعه نویسی را ما از چینیان و از راه بلاد ماوراءالنهر گرفته باشیم. جز آن میان مرقع ساختن قطعات و تصویرها هم شباهتهایی با اصول جلدبندی و کتاب سازی چینی داریم، مطلبی است که باید درباره آن تحقیق کرد و به سرچشمه های مشابهت دست یافت.

خط نویسی چینی دست کمی از نقاشی ندارد. با قلم مو می نویسند و هنرمند رقم خود را برکنار آن می گذارد. جز آن قطعه تهیه شده را با تمغا (مهر قرمز) نشانه می گذارد و هر یک از این کارها خود نشانه ای است از هنرمندی او.

یادم رفت در جای خود بنویسم که در جنگل کتیبه ها لوح های سنگی دیدم که خوشنویسی دوبیت شعر چینی را به شکل "بامبو" (نوعی نی) بر آن نقش و ضبط کرده است. گفتند در خط خوش چینی آنچه مهم تر است، تناسب است تا چشم را خوش آیند باشد. در خطی هم که قلم انداز و شکسته وار نوشته می شود (بدون صرف وقت و دقت) باز قواعدی هست که شکستگی خط تابع آن است.



افغان نامه

تألیف
دکتر محمود افشاریزدی

تران

جلد های اول و دوم و سوم
۱۳۵۹ ش. - ۱۹۸۰ م

هـا: ۳۵۰۰ ریال - توسط کفن ۲۸۳۳۵۶ و دد کابله و شبها